



## بزرگترین عامل شهرت خواجه نصیر چه بود / مراحل ششگانه سلوک خواجه

خواجه نصیرالدین طوسی به تعبیر ابن مسکویه، سعادت غایی را غایت اصلی اخلاق می‌داند و معتقد است که بیماری نفس انحراف از محدوده اعتدال است.

خواجه نصیرالدین طوسی به تعبیر ابن مسکویه، سعادت غایی را غایت اصلی اخلاق می‌داند و معتقد است که بیماری نفس انحراف از محدوده اعتدال است.

به گزارش خبرنگار آیین و اندیشه خبرگزاری فارس، خواجه نصیرالدین محمد بن حسن طوسی در طوس متولد شد و در هجدهم ذی حجه سال 673 هجری (مصادف با 10 مهر ماه) در بغداد در گذشت و در جوار امامان کاظمین به خاک سپرده شد.

به بهانه سالروز درگذشت وی مروری بر زندگی خواجه طوس خواهیم داشت:

خواجه نصیر یکی از نوایغ جهان اسلام در فلسفه، فقه، کلام و ریاضیات بود. به تعبیر سارتون، وی از بزرگ‌ترین علمای اسلام و از بزرگ‌ترین ریاضی دانان آنان بود. بروکلان آلمانی می‌گوید: او مشهورترین عالم قرن هفتم و زبان زد ترین مؤلف آن قرن به طور مطلق است.

تقی زاده مدعی است که ایرادات خواجه در تذکره خویش براساس هیئت بطلمیوس، به پیشنهاد کوپرنیک لهستانی طرح نوینی را برای هیئت بنا کرده است. طوسی بی شک، شیعه اثنی عشری بود و تألیفات او در عصمت امامان و تصریح به ائمه دوازده گانه جای شک و شبهه باقی نگذاشته است.

مدت همکاری او با اسماعیلیه نیز برخلاف میل او بود و خواجه در آن حال، در موضع تقیه بود و رنجنامه آخر شرح اشارات نیز بهترین دلیل بر این مطلب است (مرتضی مطهری)

### \*زندگی

در یازدهم جمادی الاول سال 597 هجری در طوس به دنیا آمد و در آنجا رشد کرد اصل او از چاه رود، از توابع قم است. حیات علمی او نزد دایی او بود و جلد سوم کتاب الفیة ابی المکارم بن زهره حلبی را نزد معین الدین سالم بن بدران مازنی مصری خواند و در سال 619 هجری از او اجازه گرفت و سپس به نیشابور رفت (مجالس المؤمنین)

اصول کلام، حکمت و اشارات را نزد فریدالدین داماد، ریاضی را نزد کمال الدین یونس، اصول فقه را نزد سالم بن بدران فرا گرفت و نزد شیخ عطار نیشابوری نیز تلمذ کرد. تا اینکه حمله مغول آغاز شد و سلطان محمد خوارزمشاه فرار کرد.

فقط قلاع اسماعیلیان و فداییان اسماعیلی مقاومت کردند و خواجه به دعوت حاکم قهستان، ناصرالدین عبدالرحیم بن منصور به آنجا رفت و اخلاق ناصری را برای او نگاشت. سپس پیشوای اسماعیلیه، علاءالدین میر محمد او را به قلعه میمون دژ در قلاع رودبار الموت دعوت کرد و به آنجا رفت، تا اینکه علاءالدین به دست یکی از محافظان خویش کشته شد.

پس از آن خواجه به صحبت پسر او رکن الدین در آمد تا اینکه رکن الدین پس از حمله مغول به فرماندهی هلاکوخان و سقوط الموت در سال 653 هجری تسلیم مشغول شد. مخفی ماند که براساس نقل کتاب درة الاخبار، فداییان اسماعیلی او را در اطراف نیشابور دستگیر و تهدید به قتل کردند و با خود به قلعه بردند و او سال‌ها به عنوان اسیر در آنجا مقیم بود.

### \*رصدخانه مراغه

بزرگترین عامل شهرت خواجه نصیر، تأسیس رصدخانه معروف مراغه بود که به تنظیم جداول نجومی مشهور به زیج ایلخانی پرداخت. این کار صرف نظر از توسعه ریاضیات، در سه جنبه نیز مهم بود:

مهمترین رصدخانه‌ای بود که هزینه آن از موقوفات بود و همین امر مایه دوام آن شد. برای فلاسفه روزی سه درهم، اطبا روزی دو درهم، فقها یک درهم و برای محدثان روزی نیم درهم مقرری تعیین کرد. اینگونه شد که خواجه مراغه را به مرکز علم و دانش

تبدیل کرد و کتابخانه بزرگ با بیش از چهارصد هزار جلد کتاب که در آن عصر بزرگترین خدمت به فرهنگ بود را تأسیس کرد.

#### \*تألیفات

وضعیت زمان خواجه نصیر، حمله مغول به سر بردن ربع قرن در زندان، تحت نظر بودن و مسئولیت اجرایی وزارت از او شخصیتی ساخت که استادالبشر لقب گرفت. اهم آثار او به شرح زیر است: تجریدالاعتقاد، شرح اشارات ابن سینا، التذکره فی علم الهیة، اختیارات المهمات، اختیارات النجوم، استخراج التقویم، تحریر اقلیدس، تجریدالهندسه، الجبر و الاختیار، زیج شاهی و ... است.

#### \*علم اخلاق

خواجه به پیروی از ابن مسکویه، سعادت غایی را غایت اصلی اخلاق می‌داند و نفس را به عقل نظری و عملی تقسیم کرده و غضب و شهوت را از هم متمایز می‌کند. او برخلاف ابن مسکویه عدل را از دراست عقل عملی استنباط می‌کند بی آنکه کارکرد دقیق و موزون سه گانه نفس را انکار کند بیماری نفس را عبارت از انحراف نفس از محدوده اعتدال می‌داند (اخلاق ناصری)

#### \*عرفان

طوسی در یکی از آثار خویش به نام اوصاف الاشراف از زهد به عنوان مرحله‌ای از حیات عرفانی یاد کرده و می‌گوید: طرفدار یک تعلیم عقلی عرفانی است مراحل شش گانه سیر سلوک را معین می‌کند و هر مرحله را نیز دارای شش مرحله اخلاقی شامل «آمادگی سلوک»، «ترک تعلقات دنیوی»، «خلوت، تفکر، خوف»، «تجربیات سالک»، «توکل، رضا، تسلیم» و «انجذاب» که در الوهیت به کمال می‌رسد، به شمار آورد.

#### \*سیاست

خواجه می‌گوید: از این که ریشه واژه انسان از انس گرفته شده است، فهمیده می‌شود که خصلت طبیعی بشر زندگی با هم نوعان است. ریشه تمدن هم از مدینه گرفته شده است. به این معنی که زندگی اجتماعی جز از طریق تعاون و رفع نیاز دیگران امکان پذیر نیست. نیاز به حکومت هم به دلیل اجرای عدالت در میان اجتماع است.

منبع: کتاب تاریخ فلسفه اسلامی اثر اسحاق حسینی کوهساری